

هزینه‌پردازی^۱ غیرتولیدی^[۵] ناشی می‌شود دربرمی‌گیرد (امور قدسی بخشی از این کل را تشکیل می‌دهند). این [کل] هر چیزی را که جامعه‌ی همسان آن را به‌عنوان چیزی زائد یا به‌عنوان [چیزی دارای] ارزشی والا و متعالی پس می‌زند شامل می‌شود. تولیدات زائد بدن انسان و مواد مشابه آن نیز مشمول همین کل می‌شوند (زباله، جانوران موذی، و غیره).؛ بخش‌هایی از بدن؛ اشخاص، واژه‌ها، یا کنش‌های دارای بار معنایی اروتیک؛ فرایندهای گوناگون ناخودآگاه مثل رؤیایا یا روان‌نژندی‌ها؛ عناصر بی‌شمار یا اشکال اجتماعی‌ای که جامعه‌ی همسان قدرت همگون‌سازی آن‌ها را ندارد: اوباش، جنگجویان، کتون

۱. Dépense، به معنی هزینه‌پردازی: اقتصاد هزینه‌پردازانه‌ی باتای بدیلی‌ست که او در برابر اقتصاد تولیدی جامعه‌ی سرمایه‌داری که هدف آن انباشت، تولید و بازتولید سرمایه است قرار می‌دهد. ایده‌ی هزینه‌پردازی باتای را می‌توان در کتاب «ارمغان» مارسل موس (۱۹۲۳) ردیابی کرد. موس در این اثر تحلیلی از رویه‌ی ارمغان‌بخشی در میان بومیان سواحل امریکای شمال غربی ارائه می‌کند؛ رویه‌ای که در آن حجم هنگفتی از کالاها و دارایی‌ها به شکل آئینی و در راستای هیچ هدفی مگر شادمانی بی‌سبب ناشی از آن از بین برده می‌شود. باتای این نظر موس را نیز پذیرا می‌شود که رویه‌ی ارمغان‌بخشی حاکی از اصلی اقتصادی، اجتماعی و روان‌شناختی در حیات انسانی است که با اصول بهره‌وری و خویش کامی عقلانی که جوامع پیشرفته را زیر سلطه دارد مغایر است. این ایده که انگیزه‌ی اساسی در کل حیات انسانی معطوف به هزینه‌کردنی شکوهمندانه بوده و نه صرفه‌جویی حزم‌اندیشانه ایده‌ی ست که در مقاله‌ی سال ۱۹۳۳ باتای با عنوان «اندیشه‌ی هزینه‌پردازی» شرح داده شده است. م

طبقات اشرافی و فقیر، انواع گوناگون افراد تخطی‌کننده یا دست‌کم آن‌ها که از قوانین سربازمی‌زنند (دیوانگان، پیشوایان، شاعران، و غیره).

۳. عناصر دگرسان بسته به شخص، واکنش‌های احساسی با شدت متفاوت برمی‌انگیزند، و می‌توان چنین پنداشت که ابژه‌ی هر واکنش احساسی ضرورتاً دگرسان است (اگر نه عموماً، لاقلاً با توجه به سوژه). این واکنش‌گاه جذب شدن و گاه دفع شدن (انزجار) است، و در برخی مواقع، هر ابژه‌ی انزجار می‌تواند یک ابژه‌ی جذب نیز باشد و برعکس؛

۴. تخطی، مازاد، هذیان، و دیوانگی هریک به میزانی معرف عناصر دگرسان هستند: نمونه‌های فعال [این عناصر دگرسان] مثل اشخاص یا اوباش، حاصل زیر پا گذاشتن قوانین همسانی اجتماعی هستند. اما در مورد ابژه‌های ساکن و بی‌جان این‌طور نیست، این ابژه‌ها همواره با احساسات مفرط همراه هستند (در صورتی که سخن گفتن از طبیعت مازاد یا تخطی‌کننده‌ی یک بدن در حال تجزیه و فساد ممکن باشد)؛

۵. واقعیت عناصر دگرسان از نوع واقعیت عناصر همسان نیست. واقعیت همسان خود را در سیمای انتزاعی و خنثای ابژه‌های کاملاً مشخص و شناسایی‌شده آشکار می‌سازد (اساساً این واقعیت مختص ابژه‌های جامد است). واقعیت دگرسان واقعیت یک نیرو یا شک است. این واقعیت خود را به‌عنوان یک بها (charge)، و یک ارزش آشکار